

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۶۷۸۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۶۹۹۰

ناصرالدین شاه و تحول

در سفرنامه نویسی با تکیه بر سفرنامه های قم

فاطمه ایزانلو^۱

دکتر نرگس جابری نسب

چکیده

ناصرالدین شاه به سیر و سیاحت و گردش در شکارگاه های سلطنتی علاقه ای وافر داشت. وی سفرهای داخلی و خارجی زیادی داشت، و در تمام آنها خاطرات خود را به صورت روز شمار با سبکی ساده و روان و بدور از تکلف منشیانه نگاشته است. ناصرالدین شاه با اردویی بزرگ به نام اردوی همایونی برای بازدید از خراسان، گیلان، مازندران و قم رفته بود. آخرین سفر ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۹ق. به عراق عجم بود که نود و هفت روز طول کشید. برخی از این سفرها به قصد گردش و برخی دیگر به قصد زیارت بود. ناصرالدین شاه هفت بار در سالهای ۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۷۵-۱۲۸۴-۱۲۸۷-۱۳۰۵-۱۳۰۹ق. به قم سفر کرد. وی در همه این سفرها به نقل و ثبت خاطرات خود پرداخت. برخی از خاطرات سفر را خود می نوشت و برخی دیگر را کاتب دربار از زبان ناصرالدین شاه و با قلم خود ثبت می کرد. سفرنامه های ناصرالدین شاه دارای اطلاعات، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، معماری شهری و روستایی، رجال شناسی عصر قاجاری، آداب و رسوم اقوام مختلف، شناخت آبادی ها، آب و هوای نواحی، شرح عمارت ها، کاروان

^۱ نویسنده مسئول



سراها، مساجد، پوشش مردم نواحی مختلف و ... هستند. ناصرالدین شاه در توصیف و نقل مشاهدات خود، به واژه سازی نیز می پرداخت، به همین سبب وی را شاه واژه گزین نیز گفته اند. نگارنده در این مقاله با بررسی سفرنامه های قم به تأثیر وی در ساده نویسی سفرنامه ها پرداخته است.

این پژوهش از نظر هدف جزو پژوهش های توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوی است. گردآوری داده های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه ای انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها بر اساس تحلیل کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل داده ها است.

واژگان کلیدی: ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه های قم، سفرنامه نویسی

مقدمه

علاقه به سیر و سفر از ابتدای تمدن بشری یکی از راه های ارتباط و پیوند فرهنگ ها و آداب و رسوم اقوام مختلف بشری بوده است و سفرنامه ها معتبرترین، صادق ترین و غنی ترین وسیله ی ارتباط ملت ها از گذشته تا حال بوده اند. چراکه سفرنامه نویس در پی خوش آمدگویی و یا بد آمدگویی کسی نیست و فقط به خاطر دل خود مشاهدات سفر را با نگاهی دقیق و ریز از مناطق پیرامون خود در سفر به رشته تحریر می کشد و واقعیات عینی سفر را با زبانی ساده، روان و قابل درک مردم روزگارش برای خوانندگان سفرنامه اش بیان می کند. به گونه ای که خواننده سفرنامه از خواندن آن لذت می برد و متأثر می شود، گویی که خود، این خاطرات را نوشته است. (گوهری راد، ۱۳۹۱: ۷) سفرنامه در زمان خود به عنوان یک گزارش خبری و منبع مطالعه اجتماعی و در زمان های بعد به عنوان یک منبع تاریخی به مثابه یک ماشین زمان در قوه ی تخیل مورخ، وی را به گذشته می برد. گویی که مورخ در آن زمان زندگی می کند. که این در درک صحیح تاریخ و نگارش بسیار با اهمیت است. (الله یاری و احمدوند، ۱۳۹۳: ۴) عمده آنچه

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجار که «به لقب صاحبقران مشهور شد» (طاهری و شیشه چی، ۱۳۹۳: ۳۰۱) عاشق شکار، سیر و سفر و گشت و گذار بود و بیش از نیم قرن بر مقدرات ایران حکمروایی کرد و به نگارش خاطرات و سفرنامه های خود علاقه بسیاری داشت. وی از شاهان کثیر السفر بود و در یک جا آرام و قرار نداشت، یا در سفرهای خارج از کشور و یا در سفرهای داخلی بود و در تمام این سفرها، تجربیات، دیده ها و شنیده های خود را به رشته تحریر در می آورد این سفرنامه ها حاوی نکات ادبی، تاریخی و هنری ... است که هر کدام به نوبه خود ارزشهای جامعه شناسی، مردم شناسی، تاریخی و جغرافیایی دارند. ناصرالدین شاه در طول پادشاهی اش سه بار به اروپا (۱۲۹۰-۱۲۹۵-۱۳۰۶) سفر کرد، که خاطراتش را در سفر اول و دوم با خط خودش و در سفر سوم به تقریر وی و خط همراهانش و همچنین بخشی از آن توسط دخترش فخرالدوله که از خط خوشی برخوردار بود، نوشت. او پیش از سفر به فرنگ در سال ۱۲۸۷ ق. به عتبات عالیات سفر کرد و سفرنامه آن را از خود به یادگار گذاشت. او علاوه بر سفرهای خارجی، در داخل کشور نیز با اردوی همایونی به سفرهای دور و نزدیک می رفت و خاطرات این سفرها را با نثری ساده و روان می نوشت. «از آنگاه که شهریار با عدل و داد، تاج و تخت را زیب و زینت داد، میزان خطبه های (کارهای بزرگ) خطیر را به آب شمشیر بنشاند و ظلمت دواهی دهیا را به ضیاء ضمیر روشن داشت.» (سالک، ۱۳۹۳: ۱۸۱)

ناصرالدین شاه در طول سلطنت بیشتر اوقات خود را در سفر به سر می برد. در کنار انگیزه های مختلف سفر، شوق شاه به سفر و تحرک مدام نشانی از روحیات ایلپاتی و فرهنگ عشیره ای وی داشت. «وی درضمن گشت و گذار خاطرات روزانه خود را نیز یادداشت می کرد. بخشی از سفرهای متعدد او شامل هفت مورد سفر به قم است. او حتی درافزایش شکوه و جلال و آبادانی



آستانه حضرت معصومه اقداماتی را به عمل آورد.^۱ (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۶) ناصرالدین شاه در طول حکومت ۵۰ ساله خود ۷ بار به احترام حضرت معصومه و دیدار مراجع دینی به شهر قم^۱ سفر کرد که چهار بار آن در خلال سفرهای دیگر بود و سه بار آن، فقط به قصد سفر به قم انجام شد. در طول سفر، به نگارش خاطرات این سفرها نیز می پرداخت برخی از این نوشته ها باقی مانده اند اما از سفرهای اول تا سوم هیچ نوشته ای باقی نمانده است. (قاضیها، ۱۳۹۵: ۴۵۲)

۱- سفرنامه اول ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶ ق.)

اولین سفر ناصرالدین شاه به قم در سال ۱۲۶۶ ق. یعنی در دومین سال سلطنتش در سن ۱۹ سالگی به همراه امیر کبیر اتفاق افتاد. نوشته ای از این سفر از او باقی نیست، چرا که خود می گوید: «در اوایل دولت میرزا تقی خان آمدیم به قم یک شب در همین جا اردو زده منزل کردیم، خاطرمد بود، صورت این میل را هم آن وقت توی کتاب روزنامه کشیده بودم که بعد آن کتاب را پاره کردم.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۳)

۲- سفرنامه دوم ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۷ ق.)

دومین سفر به قم زمانی بود که اردوی شاه از سفر اصفهان باز می گشت. یعنی «سال سوم سلطنت ناصرالدین شاه. اردوی شاه در غره رجب ۱۲۶۷ ق. عازم اصفهان گردید و در آخرین روز شوال از اصفهان حرکت نمود و شاه در قریه ی جز در سه فرسخی اصفهان مصمم گردید که از راه نطنز به کاشان برود تا پس از چند روز اقامت در آنجا، در قم اطراق کند. در هنگام توقف در

^۱. شهر قم که پیشینه ی بنای آن را به تهمورث از شاهان اساطیری ایران نسبت داده اند در سال ۲۳ ق. در زمان خلافت عمر بن خطاب از سوی ابوموسی اشعری فتح شد و چند دهه پس از آن محل اعراب اشعری گردید، هم به دلیل جاذبه ی زیارتی و هم به دلیل موقعیت جغرافیایی آن که در مسیر شهرهای باستانی شیراز و اصفهان قرار داشته نه فقط میعادگاه زائران شیعه مذهب بود، بلکه محل عبور و سیاحت سیاحان فرنگی نیز بوده است.



15



۳- سفرنامه سوم ناصرالدین شاه به قم (۱۲۷۵ق.)

سفر سوم شاه به قم در سال ۱۲۷۵ هـ.ق. و در سفر معروف «چمن سلطانیه»^۱ انجام گرفت.

هدف و مسیر شاه در سفر سوم به قم، روز بیست و نهم شعبان ۱۲۷۵ق. شاه به عزم زیارت حضرت معصومه (س) و سیاحت در سلطانیه از تهران حرکت کرد و پس از طی منازل از قبیل، یافت آباد، آدران، حوض سلطان و پل دلاک، در روز پنج شنبه دهم ماه رمضان در شهر قم فرود آمده و مورد استقبال اهالی قرار گرفت و به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نائل گردید. واقعه قتل حاجی مبارک به دستور ناصرالدین شاه و همین طور بیماری منجر به فوت سوگلی شاه، یعنی جیران تجریشی^۲ در این سفر روی داد.

در شرح وقایع ۱۲۷۵ق. آمده است: «روز ۲۹ شعبان موبک مسعود همایون از مقر خلافت عظمی به عزم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تشریف فرمایی به سلطانیه انتهاز فرموده، یافت آباد محل نزول اردوی معلی گردید...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۴)

بسیاری از صاحب منصبان و شاهزادگان از جمله، کیومرث میرزا ملک آرا، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، بهمن میرزا بهاءالدوله... در این سفر شاه را همراهی می کنند. شاه «پس از بازدید از قم و زیارت معصومه (س)، از شهرهای محلات، همدان، سنندج، سلطانیه، تبریز، مراغه و میانه بازدید نمود و در تاریخ ربیع الاول ۱۲۷۶ق. از راه قزوین به تهران بازگشت.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۷) در این سفر ناصرالدین شاه از هشتاد (۸۰) منزل عبور و از شهرهای مختلف از جمله: قم، محلات، ملایر، همدان، سنندج، بیجار، میانه، تبریز، زنجان، چمن سلطانیه، قزوین

^۱ سفرنامه ناصرالدین شاه به چمن سلطانیه، به کوشش زهرا موسیوند و نادر پروانه تصحیح و چاپ شده که وقایع دویست (۲۰۰) روزه سفر ناصرالدین شاه از ۲۵ شعبان ۱۲۷۵ تا ۲۲ ربیع الاول ۱۲۷۶ قمری در بر دارد.

^۲ جیران خانم فروغ السلطنه از زنان معقوده شاه بود و دو پسر داشت به نام های ملک قاسم میرزا و ملک شاه که هر دو ولیعهد شدند و در کودکی در گذشتند فروغ السلطنه در حیات ناصرالدین شاه در گذشت. (طاهری و شیشه چی، ۱۳۹۳: ۲۰۸ تا ۲۱۱)



۴- سفرنامه چهارم ناصرالدین شاه به قم (۱۲۸۴ ق.)

آغاز سفر چہارم بہ قم

« الحمد لله تعالى ماه رمضان را در کمال خوبی و خوشی و صحت مزاج گذرانده، روزه را تماماً گرفته، قرآن ختم شده، به همه جهت خوش گذشت. بعد از انقضای رمضان برای رفع کسالت روزه، و توقف یک ماهه در شهر، لازم شد سفر و گردش مختصری بشود.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۳۷) (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۹: ۲۳)

سفرنامه چهارم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات آغاز می شود: «روز چهارشنبه سیم شوال به عزم شکار در مسیله و زیارت حضرت معصومه (س) از تهران صبح زود سوار شدم، اما رفتن قم را در تهران بروز نداده در علی آباد حکم شد خلاصه رخت پوشیده از در کوچه شمس العماره سوار شدیم اغلب نوکرها در رکاب بودند از در کوچه سواره رفتیم از توی باغ لاله زار گذشته



از راه بالای نگارستان رفتیم سر جاده قنات سرداری سردار کل ساعد الملک همه صاحب منصبهای توپخانه افواج سواره و غیره بودند توپچی افواج تازه، کهنه صف کشیده بودند همه را دیدیم جمعیت زیادی بود از هر قبیل از افواج و غیره گذشته باز با سردار و قایم مقام صحبت کردیم ولیعهد و قایم مقام مرخص شدند فردا به آذربایجان می روند...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۳۷)

سفرنامه چهارم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات به پایان می رسد: روز دوشنبه ۲۲ شوال است: «باز باد شدید بسیار بسیار سرد می آمد، دیروز نقشه ی نظم تیپ و سواری را کشیده به امین خلوت و کشیکچی باشی داده بودم، امروز خیلی منظم بود، رانندیم از کوه کنارگرد گذشته جلگه ی تهران پیدا شد. دیشب برف الی قصر قاجار زده بوده است، بسیار بسیار سرد بود،... عصری رفتیم اندرون همه ی زن ها بودند، خیلی غصه خورده بودند، از نبودن ما. گلین خانم^۱، والی زاده^۲ بودند. کلثوم در نظامیه است، نواب خانم می گفتند ناخوش است. الحمد لله تعالی سفر مسیله و قم به خیر و خوبی اختتام پذیرفت. والسلام.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۵۶)

^۱ ناصرالدین میرزا در چهارده سالگی و در سال ۱۲۶۱ هجری قمری با «گلین خانم» دختر شاهزاده احمد علی میرزا فرزند فتحعلی شاه پیمان زناشویی بست. (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۳: ۲۲) ناصرالدین شاه از گلین خانم سه فرزند داشت، سلطان محمود میرزا که ولیعهد خوانده شد و در دو سالگی در گذشت و دو دختر به نام های افسر الدوله و فخرالدوله. (طاهری و شیشه چی، ۱۳۹۳: ۲۰۸ تا ۲۱۱)

^۲ هما خانم والی زاده که دختری آورد به نام خانم والیه، خانم والیه زن اعتضاد الملک بود و پس از او همسر مهدی قلی خان مجدالدوله شد. (طاهری و شیشه چی، ۱۳۹۳: ۲۰۸ تا ۲۱۱)



سفر پنجم ناصرالدین شاه به قم در بازگشت از سفر عتبات در سال ۱۲۸۷ق. و در روز های ۲۴ و ۲۵ ذی القعدة انجام یافت. ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۸۷ق. به اکثر نقاط کشور سفر کرده و دیدنی های داخل کشور را سیاحت نمود. چنانچه علاوه بر آذربایجان که زادگاه او بود به ولایات اصفهان، گیلان، مازندران، خراسان، کردستان، شهرها و روستاهای عرض این ولایات نیز سفر کرده و بعضاً سفرنامه هایی از خود به جای گذاشته بود. حال عزم کرده که بیرون از ایران را نیز ببیند. در این رابطه به میرزا حسین خان مشیرالدوله که آن زمان در دربار دولت عثمانی وزیرمختار ایران بود، نوشت که برسبیل نذر باید به عراق عرب سفر کرده، قبور ائمه علیهم السلام را زیارت کنم، او هم اجرای امر شاه را مایه ی نیل به مقاصد خود دید و برای تحقق آن، آغاز به تلاش کرد. درابتدای امر اولیای دولت عثمانی چون ایران را رقیبی در اداره ی امور عراق می دانستند تن به این تقاضای دولت ایران نمی دادند، ولی میرزاحسین خان با تدبیر و کاردانی موفق گردید که دولت عثمانی را راضی نماید که از پادشاه ایران رسماً در عتبات عالیات پذیرایی به عمل آورند، لذا، به ایالت بغداد احکام فرستاده شد که مقدم شاه ایران بپذیرند. مشیرالدوله خود از راه حلب به عراق عرب رفت و در تهران مسافرت شاه به کربلا و نجف اعلان شد. در نهایت اردوی مسافرتی به کربلا بسیار بسیار با تکلف و تجمل فوق العاده در بیستم شهر جمادی الثانی از باغ سلطنت آباد به عزم زیارت کربلا و به قول خودش (ناصرالدینشاه) توقف «پنج شبه» در دوشان تپه حرکت نمود، به نحوی که در ۲۷ جمادی الثانی به زیارت حضرت عبدالعظیم نائل گردید، سپس از طریق ساوه، همدان، بیستون، عمادیه، طاق بستان، سرپل ذهاب و قصر شیرین، در ۲۱ شعبان به خانقین وارد شد. سرانجام بعد از اینکه شاه سفر زیارتی عتبات را انجام داد، در موقع بازگشت ازطریق خانقین در هفدهم شوال همان سال وارد خاک ایران شد. در راه بازگشت اردوی شاه مجدداً ضمن عبور از سرپل ذهاب، کردند، ماهی دشت، کرمانشاهان، طاق بستان، کنگاور و تویسرکان به سلطان آباد وارد و از طریق آشتیان و دستجرد در روز بیست و سوم ذی



القعه به سمت شهر قم و زیارت حضرت معصومه (س) حرکت نمود این مسافرت شاه که به عتبات بود، حدود پنج ماه طول کشید و شاه در اوایل ذی الحجه ۱۲۸۷ ق. به تهران باز گشت. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۷)

آغاز سفر پنجم به قم

در بازگشت از عتبات در سال ۱۲۸۷ ق. یونت ییل^۱ ترکی، روز سه شنبه بیست و سوم شهر ذی القعه: «صبح برخاستیم، امروز باید به حضرت معصومه (ع) برویم، شش فرسنگ تمام راه است. رانندیم با وُزرا و شاهزادگان صحبت کردیم. حسام السلطنه بنا شد به خراسان برود. خلاصه همه ی ما رو به شمال مشرق می آمدیم، راه کالسکه خوب بود، قدری پست و بلند بود، بعد هموار است. دست راست از دور کوه های سنگی سیاه بلند، اما نه چندان بلند، برف هم داشتند، پیدا بود. محال جاسب و اردهال کرمجگان قم در آن دامنه و دره هاست، بیلاق قم است. «نی زار» هم همان طرف هاست ... نزدیک شهر سوار اسب شدم، جمعیت زیادی به تماشا و استقبال آمده بودند... شب بعد از شام مردانه شد. پیشخدمت ها آمدند. بعد خوابیدیم.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۶۷)

سفرنامه پنجم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات به پایان می رسد: (روز چهارشنبه بیست و چهارم شهر ذی القعه) «توقف شد. بعد ناهار رفتم زیارت، پیاده از رودخانه پلی بسته بودند، گذشته، از عمارات دیوانی رد شده، به زیارت رفتم ... نماز ظهر و عصر را هم در

^۱ سال های ترکی: براساس یک دوره دوازده ساله به نام دوازده حیوان تشکیل می شوند. نام این سال ها عبارتند از: (سیچقان ییل (سال موش)، اودییل (سال گاو)، بارس ییل (سال پلنگ)، توشقان ییل (سال خرگوش)، لوی ییل (سال نهنگ)، ییلان ییل (سال مار)، یونت ییل (سال اسب)، قوی ییل (سال گوسفند)، بیچی یا پیچی ییل (سال میمون)، تخاقوی ییل (سال مرغ)، ایت ییل (سال سگ)، تنگوز ییل (سال خوک). برای اطلاعات بیشتر ر. ک:.



بالای سر حضرت معصومه (ع) کردیم. سر مقبره ی شاه مرحوم، خاقان مغفور، رفتیم. بعد سر مقبره ی عین الملک مرحوم رفتیم. بسیار متأسف شدم ... معلوم شد قبری که بکنند، و مقبره ی ساخته ی قدیم درآید آن را سنتی گویند ... انیس الدوله، حاجی رحیم خان با صندوق خانه، یحیی خان، عزت الدوله، و عبد القادر خان و غیره رفتند تهران.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۵۹) و (روز پنجشنبه بیست و پنجم ذی القعدة) «در قم توقف شد. مثل دیروز بعد از ظهر به زیارت رفتیم و برگشتیم. شب بعد از شام، مردانه شد. عکاس باشی و غیره آمدند... بعد از شام از بینی من در وقت دست شستن خون آمد از دماغ انیس الدوله^۱ هم خون آمد...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۶۸)

۶- سفرنامه ششم ناصرالدین شاه به قم (۱۳۰۵ق.)

سفر ششم شاه به قم در روز دوشنبه نوزدهم شهر رجب سال ۱۳۰۵ق. آغاز شد، این سفر ابتدا به عزم علی آباد و تماشای دریاچه ی قم صورت گرفت، ولی هنگامی که شاه به مقصد رسید، با توجه به زیارتی بودن شهر قم، صلاح را در این دید که حال که در یک منزلی قم است، سفری نیز برای زیارت به آنجا بنماید. لذا با در جریان قرار دادن میرزا علی اصغر خان امین السلطان که در آن هنگام وزیراعظم بود، دستور حرکت اردوی همراه خود را به طرف قم صادر نمود. این مسافرت دو هفته طول کشید. (سفرهای ناصرالدین شاه به قم، ۱۳۸۱: ۸۰)

ترتیب منازل توقف اردوی همایونی در سفرششم به قم

۱- بعد از حرکت از مقر سلطنت عظمی به قریه ی کهریزک که در چهار فرسنگی شهر دارالخلافه واقع و اولین منزل راه قم است، تشریف قدوم ارزانی داشتند. ۲- منزل دوم قریه ی

^۱ انیس الدوله که پس از جیران، همسر ناصرالدین شاه شد. وی از ناصرالدین شاه فرزندی نیاورد. گویند پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در حرم عبدالعظیم روزی برای او بسته اسکناسی آوردند و چون تمثال شاه را روی آن دید چنان بر سینه و شکم خود کوفت که سخت بیمار شد و در گذشت و به همسر خویش پیوست. (۱۲۷۵-۱۲۷۶ خورشیدی) (طاهری و شیشه چی، ۱۳۹۳: ۲۰۸ تا ۲۱۱)



حسن آباد بود و موکب پادشاهی در مهمان خانه ی دولتی حسن آباد نزول اجلال فرمود. ۳- منزل سوم علی آباد است که دو شب در آن اتراق و اقامت فرمود. ۴- منزل چهارم منظریه بود و باز در مهمان خانه نزول اجلال شد. (سفرها ناصرالدین شاه به قم، ۱۳۸۱: ۸۰)

روز شنبه بیست و چهارم شهر رجب، شاه وارد قم شد که درین وقت اعتضاد الدوله والی قم و ساوه، شهر را برای نزول ذات مبارک شاهانه حاضر و آماده و مرتب و آراسته کرده بودند. تاروز پنجشنبه بیست و نهم رجب، موکب همایون خسروانی در قم اقامت فرموده که همه روزه بعد از زیارت، به امور و مهمام معظمه ی دولتی مشغول بود... و از آنجا که خدمات اعتضاد الدوله در هر موقع و مقام زیاده مقبول آستان همایون است، خاصه در حکومت قم و ساوه، چه در سابق و چه در لاحق، نوعی سلوک و رفتار نموده که عموم رعایا و اهالی آن ولایت کمال رضامندی و شکرگزاری را دارند. لهذا بندگان همایون به اقتضای کمال خشنودی و رضای خاطر همایون، بذل کمال مرحمت و عنایت در باره ی معزی الیه فرموده، ایشان را به اعطای یک زوج سردوشی الماس که از امتیازات جلیله ی دولتی است، مفتخر و سرافراز فرمودند.

روز پنجشنبه بیست و نهم شهر رجب، موکب منصور عزیمت معاودت به مقر سلطنت عظمی و دارالخلافه باهره فرمودند و روز دوشنبه چهارم شهر شعبان المعظم هنگام عصر، به دارالخلافه ی ناصری و جایگاه خلافت کبری تشریف ورود ارزانی فرمودند. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۸۱)

آغاز سفر ششم به قم

چرتی و میرزا عبدالله برای تحویل حمل سال سیچقان^۱ که در ششم ماه رجب اتفاق افتاد، رفته بودند شهر قم، که تحویل حمل را آنجا بکنند. وقتی که آمدند از دریاچه ی قم و مرغهاش

^۱ سیچقان (سال موش): نام سال اول از دوازده سال که نزدیک ترکان مقرر است. به معنی سال موش، چه سیچقان در ترکی موش را گویند و نیل سال. (دهخدا: ذیل واژه)



خیلی تعریف کردند، میل کردیم که ما هم چند روزی برویم علی آباد و دریاچه را تماشا کنیم.
(ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۸۳)

سفرنامه ششم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات آغاز می شود: روز دوشنبه نوزدهم شهر رجب ۱۳۰۵ ق. که برابر چهاردهم فروردین ۱۲۶۷ ش. است صبح به عزم علی آباد در عمارت اندرون تهران از خواب برخاستم، رخت پوشیدیم، بعضی زن‌ها که نمی‌آمدند گله زیاد و اخم زیاد می کردند. بعد رفتیم بیرون، دندانم که پر کرده بودم دیشب در آمده بود، دندان ساز را حاضر کرده بودند، رفتیم اطاق برلیان... تا گفتم بارک الله خوب کشیدی (پرده را)، دیدم های های بنا کرد به گریه کردن. هرچه پرسیدم پسر چرا گریه می - کنی؟ چت است، بنشین کارت را بکن، دیدم اشک می ریزد، مثل باران و دور من می گردد. به زور دستش را گرفتم، نشاندم، دیدم گریه می کند و کار می کند، نمی تواند از گریه، شکل بکشد، گفتم...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۸۳)

سفرنامه ششم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات به پایان می رسد: روز دوشنبه چهارم شعبان امروز از حسن آباد باید رفت طهران در کهریزک توقف نمیشود یک سر میرویم شهر از حسن آباد تا شهر شش فرسنگ راه است صبح خیلی زود از خواب برخاستم حرم همه رفته بودند عزیز السلطان هم آمد ما را دید گفت جلو میخوام بروم قبل از حرکت امین اقدس و ما، با کنیز هایش سوار کالسکه شد رفت شهر. ناهار را هم عزیز السلطان در برج یزید خورده بود ما هم رخت پوشیده بیرون آمدیم امین السلطان هم با فخرالاطباء، شیخ الاطباء درب در ایستاده بودند احوال امین السلطان امروز مجدد خوب بود... (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۲)

همراهان شاه در سفر ششم به قم

در این سفر ترتیب حرکت و اقامت در منازل طوری داده شده بود که درطول راه شکار خوبی نیز بشود و در واقع به یک کرشمه دو کار و به یک تیر دو نشان زده شده باشد. در این سفر کلیه ی شاهزادگان، درباریان و بزرگان و دیگر اطرافیان در رکاب بودند. در ابتدای امر شاه تصمیم نداشت



که از حرمخانه کسی را همراه برد، ولی بانوان حرم سرا دور شاه را گرفته، گفتند پس از سال‌ها که قصد زیارت دارید ما را از این فوز عظیم محروم داشتن روا نیست. شاه نیز موافقت کرد و قرار شد که اهل حرم چند روز دیرتر حرکت کرده بدون توقف در منازل شکاری به سفر ادامه دهند. بیست و پنج (۲۵) کالسکه حامل متجاوز از یکصد تن بانو و خدمتکار بود. دو کالسکه نیز که یکی پیشاپیش کاروان و دیگری به دنبال آن حرکت می‌کرد حامل خواجه سرایان بود و دو تن جلودار یکی به راست و دیگری به چپ هر کالسکه اسب می‌رانند.

«کلیه‌ی همراهان شاه با دستگاهی کامل یعنی با آبدار و آشپز و نوکر و فراش و مهتر و غیره حرکت کرده و به اصطلاح دارای پیشخانه و پسخانه بودند بدین معنی که هریک دو دستگاه چادر و لوازم داشت که در هر منزل از یک دستگاه استفاده کرده و دستگاه دیگر را از پیش می‌فرستاد تا فراشان آن را در منزل بعد آماده سازند و هنگام ورود در انتظار رسیدن بار و بنه...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۵۴)

۷ - سفرنامه هفتم ناصرالدین شاه به قم (۱۳۰۹ ق.)

هفتمین سفر شاه به قم، در ضمن سفر معروف وی به عراق عجم صورت گرفت. شاه در ماه شوال ۱۳۰۹ ق. که مصادف با دومین ماه از فصل بهار بود، قصد سیاحت ولایات مرکزی ایران را نمود و مصمم گردید که از طریق قم این سفر را آغاز کند. بدین ترتیب ناصرالدین شاه در روز ۱۴ شوال از تهران به قصد هفتمین سفر قم به عشرت‌آباد نقل مکان نمود، صبح همین روز نیز شکوه السلطنه^۱ همسر عقدی شاه و مادر مظفرالدین شاه ولیعهد در گذشت و جنازه‌ی او هنوز در اندرون بود، همچنین بیماری وب‌ا از طریق افغانستان به خاک ایران رسیده بود و قحطی در اردو به درجه‌ای بود که برای احدی نان پیدا نمی‌شد. (قاضیها، ۱۳۸۱: ۱۶۷)

^۱ شاهزاده خانم شکوه السلطنه که دختر شاهزاده شجاع السلطنه پسر فتحعلی شاه بود و از جمله زنان معقوده ناصرالدین شاه. تنها فرزند شکوه السلطنه مظفرالدین میرزا که ولیعهد گشت و پس از پدر شاه شد. (طاهری و شیشه‌چی، ۱۳۹۳: ۲۰۸ تا ۲۱۱)



سفرنامه هفتم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات آغاز می شود: دوشنبه نوزدهم شوال منزل قلعه محمد علی خان در دامنه کوه داغ و از املاک شخصی صارم الملک امیر تومان (عزیز الله خان شاهسون) و مسافت راه چهار فرسنگ است. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۶۹)

سفرنامه هفتم ناصرالدین شاه به قم با این عبارات به پایان می رسد: بیست و هشتم شوال منزل آینده ما طایقون است که تقریباً در چهار فرسخی قم قرار دارد جهت حرکت ما جانب مغرب بود و بعد از آنکه به انتهای دشت و یک ساعتی منزل رسیدیم به زمین بلندی وارد شدیم که طایقون در آن طرف آن واقع است این زمین وسیع شبیه به محوطه مستدیری است که دورا دور آن را کوه به کلی گرفته و در این کوهها قللی تیز و گرد شبیه به دهانه های آتش فشانی مکرر دیده میشود هیچ لازم نیست که کسی آب اینجا را بیاشامد تا شوری و تلخی آن را بفهمد هر جا که مسیل خشکی دیده میشود یک طبقه نمک روی آن خوابیده است. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۲۰۹)

مسیر حرکت شاه در سفر هفتم قم

شاه در این سفر از شهر به عشرت آباد و از عشرت آباد به سمت قم حرکت نمود و پس از عبور و اطراق در حضرت عبدالعظیم، کهریزک، حسن آباد، علی آباد، دریاچه ی حوض سلطان و کوشک نصرت در روز جمعه ۲۳ شوال به قم وارد و سه روز در آنجا اقامت نموده به زیارت و سیاحت پرداخت. سپس به طالقون حرکت نموده و از آنجا به سیر و سیاحت در شهرها و روستاهای ولایات مرکزی از قبیل، دلبران، محلات، سلطان آباد، بروجرود، نهاوند، تویسرکان، فراهان، آشتیان، دسجرد، ساوه و زرد پرداخته و از طریق رباط کریم در روز دوشنبه ۲۱ محرم ۱۳۱۰ هـ.ق. بقصر سلطنت آباد وارد شد. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۶۷)



همراهان شاه تا منزل اول یعنی کهریزک

نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر، وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه و جمعی از شاهزادگان عظام و وزراء و رجال فخام دولت قوی شوکت از همراهان شاه در این سفر بودند و بعضی از منازل دیگر به ترتیب عبارتند از، حسن آباد از قرای بلوک فشافویه، قلعه ی محمد علی خان در دامنه ی کوک داغ، علی آباد کوک داغ و... (قاضیها، ۱۳۸۱: ۱۶۸)

خاطرات دکتر فووریه^۱، طبیب مخصوص شاه، که در سفر هفتم قم (سفر عراق عجم) همراه ناصرالدین شاه بود: «امروز ۱۰ مه و ۱۳ شوال ۱۳۰۹ ق. مادر ولیعهد مظفرالدین میرزا در اندرون فوت کرد. وقتی که من رسیدم شکوه السلطنه در حال احتضار بود و هیچ مداخله و معالجه ای فایده نداشت. از مشهد چنین خبر می رسد که وبا که از مدتی قبل در افغانستان ظاهر شده بود از هرات رو به مشهد می آید حتی به خاک ایران هم رسیده و در تربت شیخ جام طاهر شده است.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

بخش دوم: ارزش ادبی سفرنامه های قم

نثر فارسی از عصر ناصرالدین شاه به سرعت به سمت سادگی پیش می رفت. موج تجددخواهی که از دهه های پایانی قرن سیزدهم هجری وارد ادبیات شده بود تحولاتی در شکل و محتوای نثر ایجاد کرد. اندیشه های جدید و مضامین تازه سبب ایجاد نثر ساده و محتوای عمیق شد و

^۱ Feuvrier

در باره چگونگی آمدن دکتر فووریه به ایران آورده اند: «زمانی که ناصرالدین شاه برای سومین بار در سال ۱۳۰۶ هـ.ق. به اروپا سفر کرد، هنگام اقامت در فرانسه دکتر فووریه از طرف وزارت خارجه آن کشور رسماً به ناصرالدین شاه معرفی گردید تا به جای دکتر طولوزان طبیب مخصوص شاه، راهی ایران گردد، خود فووریه نیز نقل می کند: «درحالی که ناصرالدین شاه تبسمی بر لب داشت، به من دست داد و این چهار کلمه را به فرانسه ادا نمود «شما طبیب من هستید» این بود علت این که من به همراه پادشاه ایران به طرف آن مملکت روانه شدم.» (قاضیها، ۱۳۸۱: ۲۰۳)



سفرنامه نویسی یکی از بسترهای مناسب برای اندیشه های جدید شد. نزدیک شدن نثر به زبان گفتاری همراه با تحولات یادشده سبب توجه بیشتر به نثر را فراهم آورد.

اگرچه سفر نامه نویسی در ایران سابقه ای طولانی دارد، اما سفرنامه های دوره قاجاریه از آن جهت که با سبک و انشایی ساده و روان نوشته شده اند و از تکلف منشیانه دورند، با سفرنامه های پیشین متفاوتند. (خاتمی، ۱۳۸۷: ۱۰۴) ناصرالدین شاه در سفرنامه نویسی یکی از مبرزین زمان خود است که به خواندن، نوشتن، شنیدن، گردش و سوار و شکارعلاقه وافر داشته و حتی بعضی وقت ها گزارش های سفر را به زبان فرانسه می خواند. (افشار، ۱۳۶۳: ۲) وی در نگارش سفرنامه های قم سبکی ساده و روان و بدور از تکلف دارد. بعضی از ویژگی های این سفرنامه ها عبارتند از :

الف. ویژگیهای نثر سفرنامه های قم

۱. ناصرالدین شاه مانند یک سیاح کنجکاو جزئیات و ریزه کاری های مشاهدات خود را به سبکی زیبا و به طرزی سودمند به خوانندگان سفرنامه اش شناسانده و اطلاعات دقیق و گران بهایی را در زمینه های مختلف علوم در اختیار خواننده خود قرار می دهد. (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۶)

توصیف دقیق و توجه به جزئیات بسیار ریز در نگارش مشاهدات خودش، از قبیل شمارش موهای دم اسب در حجاری های طاق بستان در مسیر سفر به عتبات. «...هیأت و اندام سوار و اندازه و قواره ی اسب از طبیعت حالیه بزرگتر است ... پای چپ اسب که برجسته از سنگ بیرون آورده بودند از موضع ران نمی دانم به دست کدام بیمروت بی تربیت شکسته شده است. شاید در استیلای عرب اینطور کرده باشند. یک دست خسرو هم که نیزه گرفته است و قدری از سر اسب شکسته شده است، بدین شکستگی ارزد به صد هزار درست. اینطور حجاری و نقاشی به این صحت و درستی می توان ادعا کرد که کمتر دیده شده است. اعضا، متناسب، اندام درست، نکات همه به جای خود به کار رفته. حالا محال است کسی بتواند حجاری کند. دم اسب را طوری قلم



زده است که مو به مو شماره می شود...فیلهای زیاد حجاری شده است که بعضی جرگه می رانند و بعضی شکارها را حمل می کنند...» (افشار، ۱۳۶۳: ۶۵)

ناصرالدین شاه در سفرنامه نویسی به «موارد کوچک و معمولی و به اصطلاح به ریزه کاری ها هم توجه می کرد و آنها را می نوشت.» «باد به شدت می وزید در دره ای که آب و درختی داشت به ناهار افتادیم... باد شدت کرد به طوری که کلاه محمدحسن خان را از سرش برداشت و یک ربع ساعت بیشتر سر او برهنه ماند...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۱۷) و «دو ساعت به غروب مانده بود که وارد شدیم. بالای سر حضرت نماز ظهر و عصر و نماز زیارت خوانده شد، الحمدالله به این سعادت موفق شد... دم دروازه سوار شده از وادی السلام عبوراً گذشتیم. وادی السلام شهر خاموشان است...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۱۲۵)

۲. خلاصه نویسی مفید ولی دقیق؛ «روز جمعه ۵ شوال: امروز باید رفت مسیله، صبح رفتم حمام، سرد بود، خیلی ایستاده به زحمت گرم شد، بعد از حمام رخت پوشیده سوار شدیم. با امیر آخور و غیره و نسقچی باشی صحبت کنان رفتم.» (قاضیها، ۱۳۶۹: گزارش)

۳. جملات کوتاه و مختصر «...یک سر می رویم شهر...رسیدیم به خیر آباد...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۲۷) تکرار قید و فعل «...هوا امروز سرد بود گاهی ابر گاهی آفتاب بود. رانندیم رانندیم، از سیاه آب و پل و اینها گذشتیم...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

۴. توجه به آرایه های ادبی مثل تشبیه در مشاهدات خود و توصیف دقیق موضوعات. «...چند تاج از سلاطین قدیم انگلیس در آن بود جواهر نفیسه داشت بخصوص در یک تاجی یاقوت سرخ بزرگی بود بسیار ممتاز عصاها دیده شد از طلا و ظروف طلا هم قدری بود شبیه الماس کوه نور را از بلور درست کرده بودند در آنجا بود اما اصل الماس را در لندن تراشیده برلیان کرده پادشاه سنجاو کرده بسینه میزنند روزی که برای وداع به ویندزور رفته بودم بسینه زده بودند...» (سفرنامه فرنگ، ۱۳۶۲: ۱۱۷)



ب. ویژگیهای نگارشی سفرنامه های قم

۱. ساخت ترکیبات و واژه های متنوع و خاص در برابر واژه های فرنگی در سفرنامه های خود؛ ترکیباتی که یا فارسی یا عربی و یا ترکی بودند، این نکته علاوه بر تسلط ناصرالدین شاه در بکار بردن این واژه ها، سبب شده که او را شاه واژه گزین نیز بخوانند. به کار گیری و تنوع واژه ها و معادل سازی در برابر زبان بیگانه نشان می دهد که ناصرالدین شاه میخواست با دقت تمام، مشاهدات خود را با تمام جزئیاتش به خواننده خود منتقل کند. (حداد عادل، ۱۳۷۹: ۱۵۹)

۲. در سفرنامه های ناصرالدین شاه اصطلاحاتی دیده می شود که به نظر می رسد امروزه از زبان خارج شده اند اما برای لغت نویسان مفید است. مثل برنج نیلوفری که نوع مرغوب از برنج بوده «...ما بین شمال و مغرب مزارع سر آب نیلوفر است و آب آن در چهل قریه و دهات خالصه زراعت می شود. زراعت این سمت شلتوک است. «برنج نیلوفری» معروف محصول این سمت است...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۷۲) و یا تنقال در مورد آتش و زغال. «...با اینکه هوای هارون آباد از کرد گرمتر است به آتش احتیاج بود. در سرا پرده «تنقال» کردند...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۱۶۹)

۳. کاربرد واژه قطار به عنوان واحد شمارش شتر «...این دسته سوار باید بروند بجنورد با عزیزالله خان قدری صحبت کردیم دو قطار شتر بسیار بسیار خوب هم پیشکش آورده بود...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۹۲) پیوستن حرف اضافه «ب» به قید و نیز کار برد ضمیر اول شخص جمع به جای اول شخص مفرد «...دیشب بطوری سرد بود که تاصبح توی رختخواب سرما خُردیم و گرم نشدم صبح از زور سرما قدرت این که از توی رختخواب بیرون بیاییم، نداشتم زیر لحاف گرم بود...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۸۶)

۴. کاربرد منزل در معنای مقصد سفر «منزل امروز خانقین است شش فرسخ مسافت است...» (افشار، ۱۳۶۳: ۸۶)



۵. کاربرد ترکیب های خاص خودش مثل درخت با قاعده ای یافت نشد که ناهار زیر سایه اش بخوریم. و یا «...خلاصه درخت های زیتون خیلی بزرگ...روی مرز ها به نظام و ردیف کاشته بودند...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۷: ۱۴)

۶. کاربرد پسوند «باشی» و «چی» که معرف شغل افراد می باشد. مثل عکاس باشی، شاطر باشی، فراش باشی، نقاش باشی، تشریفاتی، تلگرافچی و... «...عکاس باشی را فرستادم از منزل آمد عکس انداخت...» (افشار، ۱۳۶۳: ۶۰) «...علی بیک تشریفاتی، آجودان های سلطان و غیره هم بعد از اندکی صحبت و احوال پرسی گفتم سوار شدند...» (افشار، ۱۳۶۳: ۸۷)

۷. ترکیب بعضی واژه ها از جمله واژه «این» با «از» یا «در». در اغلب موارد ترکیب این دو به صورت «ازین» یا «درین» آمده. (سفر دوم مازندران، ۱۳۸۴: ۱۳) «...درین اواخر به تواتر با تلگراف خبر دادند که نا خوشی و با در کرمانشاهان بروز کرده است. بیشتر باعث کسالت شد. مردم هم به شهرت های مختلف اصرار داشتند که ازین خیال منصرف شویم...» (ناصرالدین شاه، سفر عتبات، ۱۳۶۳: ۲۴) «...غالباً درین محل دزدی می شود. از کاروانسرا گذشتیم به رودخانه شور رسیدیم که درین فصل آب کمی داشت...» (ناصرالدین شاه، سفر عتبات، ۱۳۶۳: ۳۰) «...شانزده سال قبل که ازین راه به آذربایجان رفتم و در همین باغ منزل کردم به خاطر آمد...» (ناصرالدین شاه، سفر عتبات، ۱۳۶۳: ۴۲)

... «درین بین امین الملک پسر امین السلطان هم ناخوش سخت شد...» (ناصرالدین شاه سفر اول مازندران، نسخه خطی، ۳) «ازین دره راهی به گهواره و قلعه زنجیر گوران است...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۷۹)

۸. آوردن «ه» در آخر صفت. (...چند تاج از سلاطین قدیم انگلیس در آن بود جواهر نفیسه داشت ...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۱۷)



۹. در اغلب موارد «های» جمع پیوسته به اسم آمده است. «...شب بعد از شام مردانه شد پیشخدمتها بودند قدری روز نامه خواندم...» (افشار، ۱۳۶۳: ۴۰)

۱۰. حذف «ها» در کلمات جمع. واژه هایی که به حرف ها ختم می شوند در هنگام جمع بستن با «ها» با حذف «ها» مواجه می شوند. مثلاً خانه به شکل خانها جمع بسته می شود. (شهر کرمانشاهان تقریباً هفت هزار خانه دارد و متجاوز از سی حمام عمومی غیر حمامهایی که در خانها و مختصی است...) (افشار، ۱۳۶۳: ۷۰)

۱۱. تکرار قید برای تفهیم شدت موصوف «باز باد شدید بسیار بسیار سرد می آمد...» (سفر چهارم شاه به قم، ۱۳۸۱: ۵۶)

۱۲. جمع بستن هوا، «...حالا اواخر سنبله است هواها خوب و ناخوشی نیست ارزانی و فراوانی نعمت الحمدالله زیاد است...» (ناصرالدین شاه سفرنامه دوم مازندران ص ۲) (...ناهارى به اشتها الحمدالله خورده شد. حالا دو ماه به عید نوروز مانده است. هواها خوش میگذرد، برف هیچ در جلگه نیست و الی حال به جلگه ابدأ برف نیامده است. اما کوه ها پرمایه و برف است در رمضان باران شدیدی آمد. (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹: ۲۳)

۱۳. رسم الخط و املاى بعضى واژه ها متفاوت با املاى رایج امروزی همان واژه هاست. مثل طهران «...معمد الملک را فرستادم بعضی احکام را به طهران تلگراف کند پیش از آنکه به عراق آباد برسیم...» (افشار، ۱۳۶۳: ۳۶) نوشتن واژه اتراق به صورت اطراق «...در علی آباد اطراق شد اما من سوارشدم رفتم تماشای دریا...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۹۳) نگارش واژه قالی با «غ» «...صنعت تسبیح سازی...غالی بافی هم درین شهر است...» (افشار، ۱۳۶۳: ۷۱) نگارش واژه آقا هم با «ق» و هم با «غ» «...آقا محمد خان آغا مهرباب پیر قدیمی آغا بهرام آقا سید اسمعیل آغا علی... رفته اند که در بسطام باردو ملحق شوند...» (نسخه خطی سفرمشهد، ۱۳۰۶ق. : ۱۳) برخاستن: فعل برخاستن را به صورت برخواستن نوشته اند.



۱۴. پیوستن حرف اضافه «ب» به اسم « امروز باید برویم بیومهن سه فرسنگ سنگین راه بود صبح خیلی زود نیمساعت بدسته مانده از خواب برخاسته سوار شدم...» (نسخه خطی سفرنامه مشهد، ۱۳۰۶ق. : ۷) پیوستن حرف اضافه «ب» به کلمات مثل بتالار، بغروب، بحضور. (وزیر امور خارجه را احضار کردیم بحضور رسید با او یکی کار داشتیم فرمایشات زیاد شد...» (نسخه خطی سفر فرنگ، ۳)

ترکیب «ب» با «افعال»: «ب» (جزء پیشین فعل) پیوسته به فعل نوشته شده، مانند « به بینم» به جای «بینم» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴)

۱۵. پیوستن «می» به فعل «...دیدم از این راه که مردم میروند نمیشود رفت...» (نسخه خطی سفرنامه مشهد، ۱۳۰۶ : ۱۴) «...بعضی کاغذ ها خواندیم کاروانسرای خوبی در سرخه حصار بامر دولت بنا شده است که انشاءالله امسال تمام میشود...صحبت کنان میرفتیم قدری سوار کالسکه شده...» (نسخه خطی سفر مشهد، ۱۳۰۶ق. : ۵)

۱۶. نشانه های نوشتاری مانند نقطه و ویرگول و...در سفرنامه های ناصرالدین شاه همانند سایر آثار این دوره رعایت نشده است. «صبح دو ساعت بدسته مانده از خواب برخاستم و یکساعت بدسته مانده سوار اسب شده راندم برای سرخه حصار که در آنجا نهار خورده بعد برویم بمنزل پل حاجی میرزا بیک قدری که رفتم سوار کالسکه شده راندم...» (نسخه خطی سفر مشهد، ۱۳۰۶ق. : ۵) «امروز انشا الله بسمت قم و عراق حرکت میکنیم کسانیکه از حرمخانه و غیره باید بسفر بیایند صبح حرکت کرده بودند رفتیم بحمام از حمام بیرون آمده رفتیم...امام جمعه بحضور آمدند جناب امام جمعه دعای سفر بگوش ما خوانده و یک قرآن کوچک بغلی خطی خیلی اعلی هم که همراه آورده بود بما هدیه داد...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۵: ۱۲) بسیاری از واژه ها در نسخه چاپ «سنگی»، بدون نقطه پایان است که البته در تمام آثار دوره قاجار چنین است.



ج. ویژگی‌های سبکی سفرنامه های قم

شیوه ی نگارش و نثر ناصرالدین شاه « ساده با تکیه بر کوتاه نویسی و دقیق نویسی و بدون تکلف و حتی غلو شاهانه است.» (نوری، ۱۳۸۹: ۱۳۸) در تمام سفرنامه هایش ساده و روان و بدون از تکلف و در نهایت اختصار و کوتاه نویسی است. در عین حال توأم با توصیف دقیق و زیبا و استفاده از بعضی آرایه های ادبی. از جمله در همین سفرنامه: «برخاستم، رخت پوشیدم، رفتم دیوان خانه و یا صحبت کنان رفتم(قید حالت) و یا یکی یکی ملاحظه کرده گذشتم (قید شمارش) و یا بسیار خوب فوجی بود (توصیفی) و یا با تشریفات معینه ومفصله (توصیفی)

۱. ناصرالدین شاه مبدع نوعی سفرنامه نویسی به شکل یادداشت های روزانه در عصر «قاجاریه» است که علت این امر دو مسئله بوده یکی مطالعه ی سفرنامه ها و سیاحت نامه های اروپاییان که به شنیدن و خواندن آن ها بسیار اشتیاق داشت و جمعی را مأمور ترجمه این آثار کرده بود. حتی عده ای خاص را به چاپ این کتاب ها با خط خوش و زیبا واداشته بود و دیگری احساس خود بزرگ بینی و غرور افراطی و تلاش برای اینکه او نیز دارای آثاری چنین شود و نامش در تاریخ و در تمام اعصار و قرون به یادگار بماند. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۴: ۱۲)

۲. سبک و زبان نگارش ناصرالدین شاه گرچه از فصاحت و هنر نویسندگی به دور است ولی نمونه روشن ساده نویسی است و همین طرز نگارش ساده او در نامه نویسی دیوانی و سفرنامه نویسی به تدریج در روش منشیان وقت تاثیر گذار شد. (افشار، ۱۳۶۳: ۴) این سبک ساده و روان و خودمانی و به دور از تکلف منشیانه در تمام نوشته ها و سفرنامه های ناصرالدین شاه دیده می شود. «مجدالدوله بیانات می کرد قدری با او شوخی شد.» (افشار، ۱۳۶۳: ۱۶۲)

۳. زبان ساده، روان و خودمانی با جملات کوتاه و به دور از تکلف منشیانه. «باید به چشمه علی رفت. صبح بیرون آمدم. امام جمعه آمده بود دعای مسافر خواند. معبرالممالک و غیره بودند. سوار شده از خیابان باغ رفتیم...» (افشار، ۱۳۶۳: ۲۶)



ساده نویسی ناصرالدین شاه در سفرنامه ها بویژه سفرنامه های قم، الگویی برای سفرنامه نویسی در این عصر شده که بیش از پنجاه تن از شاهزادگان، شاهان، وزراء، وکلا، ادبا، صوفیان و حتی زنان قاجار (مانند دختر فرهاد میرزا) و مأموران دولتی و منتقدان و سیاست مداران، تشویق شوند تا سفرنامه های خود را به رشته تحریر درآورند که در تغییر و تهییج الگو دهی تاثیری انکار ناپذیر داشته باشد. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۴: ۱۲)

۴. ناصرالدین شاه خاطرات سفر خود را به صورت روز شمار می نوشت و یادداشت های خود را در طی سفر بازخوانی میکرد. «شنبه بیست و یکم شعبان الی عصر منزل بودیم، پیش خدمت ها حضور داشتند، کاغذ خوانی شد.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

روز سه شنبه دوم رمضان در منزل ماندیم جایی نرفتیم، مشغول خواندن و مطالعه نوشته جات دولتی و غیره بودیم. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۸: ۱۹۵)

روز شنبه سیزدهم رمضان در منزل توقف کرده نوشته جات زیاد به شرح نوشته شد و عصری دو ساعت بغروب ماند... (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

د. موضوعات مندرج در سفرنامه های قم

سفرنامه های ناصرالدین شاه علاوه بر شرح سفر موضوعات دیگری را هم در بر دارد. برخی از این موضوعات عبارتند از:

۱. در سفرهای ناصرالدین شاه گاهی تا ده هزار نفر همراه اردو بودند که این ازدیاد نشانه ی ابهت، قدرت، حشمت، و عظمت همایونی بوده است. از جمله در سفر عراق عجم. (مؤذنی، ۱۳۷۵:



۲. سفرنامه های ناصرالدین شاه دارای اهمیت تاریخی، باستان شناسی، جغرافیایی، مدنی و اجتماعی و... هستند. از آنجا که پادشاه برای شکار به نقاط مختلف می رفت، درج آدرس دقیق بسیاری از نقاط که امروزه نیستند، اهمیت این دسته از متون را روشن می کند. «...کوههای دست چپ در فاصله سه فرسخ چهار فرسخ واقع است... این جلگه بلوک حاجیلو است. دهاتی که سمت راست جاده واقع است: امیر آباد، زرقان، جهان آباد، نگارخاتون نیم فرسخ خارج جاده است، فیض آباد، قارمین...» (افشار، ۱۳۶۳: ۳۹)

۳. اشاره به آداب و رسوم دینی و مذهبی نظیر آداب زیارت: «...امروز باید برویم خانه اعتضاد الدوله اول رفتیم زیارت...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۱۰۵) «...رفتیم زیارت، نماز ظهر و عصر را هم در بالای سر حضرت معصومه (ع) کردیم...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۹۷) «...ابتدا به زیارت حضرت سلمان رفته فاتحه خواندم. آداب زیارت تقدیم شد. از آنجا به ملاحظه طاق کسری رفتیم...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۱۴۴)

۴. سفرنامه های ناصرالدین شاه معرف بعضی از آداب و رسوم کهنه و خرافی قدیم اند. که امروزه کاربرد ندارند. «...از کسبه و اصناف هم با تشریفات کهنه قدیم بیرون آمده بودند. مثلاً شیشه نبات که از رسمهای کهنه و مندرس است آورده در معبر کالسکه من شکستند. خدا رحم کرد در کالسکه بودم و از این خطر محفوظ ماندم والا اگر اسب سوار می شدم صدای شیشه شکسته اسب را رم می داد و زمین می خوردم...» (سفرنامه عتبات، ۱۳۶۳: ۱۷۱)

۵. سفرنامه های ناصرالدین شاه معرف کارهای روزانه او در سفر هستند که برای شناخت بیشتر یک حاکم مملکتی بسیار مفید است. «صبح برخاسته آمدم بیرون عمله خلوت و جمعی دیگر حاضر بودند وزیر امور خارجه را احضار کرده بودیم از شهر آمده بحضور رسید با او یکی کار داشتیم فرمایشات زیاد شد او رفت بعد نایب السلطنه از شهر آمده با عرایض و نوشتجات زیاد بحضور رسیده بعد از تحصیل جوابها مراجعت کرد امین السلطنه آمد با نوشتجات زیاد جوابهای او را هم ننشسته نوشتیم و دادیم بعد امین السلطان و امین الملک از شهر رسیده آنها هم عرایض و



نوشتجات بسیاری داشتند همه را خواندیم و جواب دادیم...» (نسخه خطی سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا، به شماره ثبتی ۵۲۱۶۶، ص ۲)

۶. سفرنامه‌های ناصرالدین شاه معرف مشغولیات متنوع او در حین سفرهایش هستند. از قبیل نگارش وقایع سفر، امضا کردن احکام، دستور نوشتن در عریضه‌ها و گزارش‌هایی که به او می‌رسید، دیدن عکس‌هایی که عکاس باشی در جریان مسافرت می‌انداخت. (سفرنامه عتبات، ۱۳۶۳: ۱۳) «...محمد حسن خان روز نامه خواند، عکاسباشی چند شیشه عکس انداخته بود در کشتی به کاغذ نقل کرد. منتخبات اشعار شیخ را گفتم میرزا علی خان می‌نوشت. تفنگ زیاد به مرغ سقا و قاز و غیره انداختم نخورد...» (افشار، ۱۳۶۳: ۱۴۹)

۷. عمده‌ترین تفریح شاه در طول سفر شکار بود. سفرنامه‌های او مملو است از شرح شکارهای پرنده و چرنده در کوه و دشت با تفصیل و توضیح لازم که خود از حیث لغت و اصطلاح‌های مخصوص شکار و تفنگ و نام حیوانات و پرندگان شکاری، ذخیره‌ای است درخور توجه، از جمله بالابان، تفنگ مجلسی، جرگه، جرگه کردن، حقار و هوبره. «...سمت چپ جاده زهابی مثل زاینده رود است. گفتند حقار و هوبره دارد...» «...قدری روزنامه خواندم میرشکار عصر بحضور آمد می‌گفت از تنگه دینور آمدم شکار زیاد است و محل جرگه مناسب دارد قرار شد پس فردا جرگه کنند از کبک درّه برناج به اغراق حکایت می‌کرد که کروورها کبک دارد فردا خیال دارم شکار کبک بروم...» (ناصرالدین شاه سفرنامه عتبات، ۱۳۶۳: ۳۰-۳۹-۵۶-۱۷۷)

۸. معرفی شکارگاه‌های سلطنتی و اصطلاحات خاص شکار از جمله: جرگه کردن، جرگه، بالابان، چرخ انداختن. (درین صحرا شکار صحرایی بسیار است...شکارهای این صحرا...قل قویروق، باقری قراقرش، سار بزرگ، سار کوچک، قازلاق، درنا...است...یک دسته درنا نشسته بود تیمور میرزا چرخ انداخت چرخ دور کرد بخلاف جهت بالا رفت...» (افشار، ۱۳۶۳: ۴۸)



۹. سفرنامه های این پادشاه اشاره به روحیات لطیف او نیز دارند که وسیله ای برای شناخت بهتر او به عنوان یک حاکم می باشد. «... بدتر از این عادت و رسم نمی شود که در اول ورود به مکانی از کشتن حیوان و ریختن خون، روح و بدن انسان را متأذی و مشمئز کنند.» (سفرنامه عتبات، ۱۳۶۳: ۱۷۲)

۱۰. سفرنامه های ناصرالدین شاه معرف اشکال و نقوش اصیل ایرانی اسلامی هستند. «... بعضی از اشکال این طرف ناتمام است که از ابتدا ناقص مانده است، اطراف این اشکال اسلیمی و گل و بوته است. به طرز خیلی خوب و درست نقش شده است، به خصوص در جلوی حیوان که خیلی خوب منبت کرده اند...» (افشار، ۱۳۶۳: ۶۶)

۱۱. در تمام سفرنامه های ناصرالدین شاه، موضوعات سیاسی، حکومتی، نام آبادی ها، نام مالکین آبادی ها، اطلاعات مربوط به اقوام مختلف ایران، عشایر و طوایف، اطلاعات مربوط به محیط زیست جانوران، نوع و نام جانوران، کمیّت و وفور جانوران شکاری در شکارگاه های سلطنتی، زمان و فصل شکار، محصولات کشاورزی، زمان کشت و برداشت هر محصول، میزان برداشت محصول، معرفی نوع محصول، نام گیاهان، معرفی مناطق حاصل خیز و قابل کشت، میزان آبیاری مزارع، مسائل کشاورزی و قنوات، بیان شوری و یا عدم شوری آب و مناسب بودن یا نبودن آن برای کشت. «جلگه ماهیدشت بسیار وسیع است دهات آباد زیاد دارد زراعتش در کوه و صحرا غالباً دیم است و هر تخمی چهل تخم در زراعت دیمی ارتفاع دارد گیاه زمین خار شتر و شیرین بیان و بعضی جاها چمن است سیاه آب و باطلاق زیاد دارد...» (افشار، ۱۳۶۳: ۷۳)

۱۲. معرفی نام های روستاها و کوه ها بی هیچ تغییری نسبت به دوره قاجار، به عنوان مثال فقط تعدادی از این روستا ها که با واژه «آباد» ختم می شود، عشرت آباد، اسد آباد، سفر آباد، رستم آباد، جهان آباد، فیض آباد، امیر آباد، عبد آباد، خسرو آباد، کمال آباد، میر آباد، عباس آباد، نوروز آباد، صفی آباد، فرح آباد، فتح آباد، قاسم آباد، خانی آباد، کریم آباد، سلطان آباد، عراق آباد، حسین آباد، عبدالله آباد، سفر آباد، محمود آباد، نوذر آباد، سرخ آباد، مرزن آباد، یافت آباد، علی آباد، حسن



آباد، سلطنت آباد، استر آباد، هارون آباد، بوبوک آباد، حسام آباد. «امروز از بوبوک آباد به سرخ آباد آمدم. راه امروز را چهار فرسخ می گفتند...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۴۰)

۱۳. ذکر القاب و عنوان و منصب و وظایف هریک از افرادی که در اردوی همایونی در سفرها همراه شاه بودند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۹۵)

۱۴. ناصرالدین شاه چون خود ذوق نقاشی داشت و طرح‌های دیدنی و دلپسندش برهانی است بر آن، در نقش و نگار طاق بستان و مشاهدات خود به دیده‌ی هنرمندانه نگریسته و حالات آن نقوش و هنر نقاش را به ریزه کاری بر شمرده و یک به یک نموده است و مانند ناقد منصف اگر چیره دستی حجاران عصر ساسانی را ستوده، حجاری صورت محمد علی میرزای دولت شاه را که یادگاری است بعد از عصر فتح‌علی شاه «مهوع» و سبب «تضیع» وضع طاق بستان دانسته است. «...خسرو و اعیان دولت و عمله طرب در زورقها نشسته اند. از نیزارها خوک می دوانند، خسرو با تیر می زند. مطربان و مغنیان که بعضی زن هستند آلات طرب بخصوص چنگ در دست دارند. فیلهای زیاد حجاری شده است که بعضی جرگه می رانند و بعضی شکارها را حمل می کنند. این اشکال با اینکه کوچک است و ریزه کاری شده است چنان خوب نقش شده است و فیلهای خوکها را طوری خوب حجاری کرده اند که عقل را حیران می کند. بالای این صفحه آغا غنی خواجه باشی محمد علی میرزای مرحوم که از طولش گیلان بوده است زحمت کشیده صورت مرحوم شاهزاده را نشسته و حشمت الدوله پسرش و پسر کوچک دیگرش را داده است حجاری نموده، خود آغا غنی را هم با هیأت مکروه ایستاده در جلو شاهزاده نقش کرده اند. طوری بد و بی قاعده که واقعاً مهوع است و طاق را ضایع کرده است و بس که بد حجاری شده روی اشکال را رنگ آمیزی کرده اند. الحق مایه تضییع طاق شده است...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۶۶)

۱۵. ناصرالدین شاه به چشم هنرشناسی به قدرگزاری به آثار هنری باستانی ایران می نگرد و هرگونه گزند و صدمه ای را که به آنها وارد شده است به کلک نقد می نمایاند. «مردم به خطوط مختلف و عبارات غریب در دیوارها و محراب به قدری یادگار و تاریخ سفر خودشان را نوشته



بودند که سطح دیوار سیاه بود. این عادت مردم که بیشتر اماکن معروف و محل تفرج را یادگار می نویسند از عادات ذمیمه و رکیک است، خاصه در این امکنه شریفه که بسیار بی ادبی است و نهایت جسارت.» (ناصرالدین، ۱۳۶۳: ۱۲۸)

۱۶. اطلاعات منحصر به فرد راجع به اداره امور مملکتی در سفر.

۱۷. نحوه ارتباط شاه با مراکز دارالخلافه و ارسال نامه ها و دستورات لازم از طریق چاپار به پایتخت که در سفر اول مازندران مشهود است.

۱۸. سفرنامه های ناصرالدین شاه منبعی مستند در شخصیت شناسی عصر قاجار. «...وزیر امور خارجه، ناظم افندی شارژدافر مقیم طهران و فهمی افندی شه بندر عثمانی متوقف کرمانشاهان را به حضور آورد. میرزا هادی خان کار گزار مهمام خارجه کرمانشاهان و میرزا موسی گیلانی ناظر امور سرحدیه اینجا هم بودند. آقا حسن پسر حاجی خلیل تاجر عرب هم که در کرمانشاهان تجارت دارد...» (افشار، ۱۳۶۳: ۶۸)

۱۹. دادن اطلاعات آماری جمعیت «...قصبه بلده که با قراء اطراف بلوک بلده را تشکیل میداد سیصد خانوار داشت...» (نوری، ۱۳۸۸: ۱۹۵)

۲۰. معرفی معادن گچ و سنگ و... «...معادن گچ درین جلگه نیست برای این عمارت از معادن لرستان گچ آورده اند و سنگ ستونها و پایه ها از معدن شیرمردان نزدیک کنگور است که اکراد «شل مران» می گویند...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۵۲)

۲۱. معرفی صنایع شهرها و آبادی ها. «...صنایع مختصه این شهر علاوه بر آنچه در سایر بلاد معمول است صنعت تسبیح سازی است که از گل پخته در نهایت خوبی و کمال امتیاز می سازند. دیگر صنعت نمد مالی است که کلاه نمد و فرجی و غیره را نسبت به بسیار جاها بهتر و بیشتر می سازند. غالی بافی هم درین شهر هست...» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۷۱)



۲۲. سفرنامه های ناصرالدین شاه معرف خاطرات زیارتی او به عنوان یک حاکم ایرانی و همراهانش و نیز توجه و علاقه ی به هنر و بناهای تاریخی است. «روز چهار شنبه یازدهم امروز باید وارد مشهد مقدس شویم... قدری مسجد گوهر شاد راتماشا کردیم الحق عجب بنائیسست.» (کراچی، ۱۳۸۱: ۴۶)

نکات ویژه سفرنامه های قم

برخی نکات ویژه ای که در نگارش سفرنامه های قم به نظر می رسند عبارتند از:

۱. یادداشت گزارش سفر.
۲. بازخوانی و مرور و تکمیل گزارش سفر.
۳. معرفی منازل بین راه به ترتیب زمانی یعنی از شروع به حرکت به اولین منزل تا پایان.
۴. رعایت حفظ حقوق افراد در سفر.
۵. رعایت نظم و زمان در سفر.
۶. رعایت پاکیزگی و حفظ بهداشت و دوری از اتراق در اماکن کثیف.
۷. عدم ایجاد مزاحمت و خسارت برای ساکنین منازل بین مسیر.
۸. تشریح قوانین سفر و رعایت حفظ آن جهت ایجاد آرامش همراهان سفر.
۹. تأکید بر حفظ آثار و ابنیه ی تاریخی در مسیر سفر.



۱۰. تأکید بر عکس برداری از آثار تاریخی مثل طاق بستان و یا سوژه های جذاب مسیر سفر. (بالای گردنه نشستیم دوربین انداختم سلطان سلیم دهات جلگه تویسرکان را معرفی می کرد...» (افشار، ۱۳۶۳: ۴۴)

۱۱. رفتاری ساده و خودمانی با همراهان در سفر.

۱۲. تشویق و ترغیب به آموختن علم، خواندن، نوشتن و گوش دادن.

نتیجه گیری

تحولات تاریخی و فراز و نشیب هایی که ایران و ایرانی پشت سر نهاده، در حیطه ای از زمان، سفر و سفرنامه نویسی را نیز دستخوش تغییرات نموده و راه نسبتاً مناسبی را برای سیر و سفر و نوشتن سفرنامه فراهم آورده است. دوره قاجار اوج سفرنامه نویسی است. در این دوره به دلیل آشنایی ایرانیان با تمدن مغرب زمین و قالب های نگارشی متنوع از جمله رمان و داستان، و توجه و حمایت شاهان این دوره، مخصوصاً ناصرالدین شاه از مترجمین و قشر تحصیل کرده، تشویق و ترغیب ناصرالدین شاه به امر تاریخ نویسی و ترجمه کتب عربی و آثار بیگانه و یادداشت خاطرات سفر، سبب بوجود آمدن نهضت سفرنامه نویسی شد.

ناصرالدین شاه قاجار نخستین پادشاه ایرانی بود که خاطرات خود را نوشت. وی همچون نیای خود، فتحعلی شاه دارای علاقه و دلبستگی فراوانی به ادبیات فارسی و عاشق پیشه بود و شعر دوست و شاعر پرور به شمار می رفت. از موهبت طبع شعر خدادادی بهره مند و در نظم و نثر صاحب طبعی دقیق و رقیق بود.

ناصرالدین شاه همچنین از پیشگامان سفرنامه نویسی بود. او اردویی به نام اردوی همایونی در سفرهایش داشت و شروع به سیر و سفر و سفرنامه نویسی در داخل و خارج کشور نمود و تا آنجا پیش رفت که به شهریار جاده ها معروف شد. اولین سفر خارجی ناصرالدین شاه در دوران



ولیعهدی و در سن پنج سالگی در سال ۱۲۵۳ ق. به ایران آمد، همچنین وی برای اولین بار در سال ۱۲۹۰ ق. به اروپا سفر کرد. اولین سفر او در داخل کشور در سال ۱۳۸۳ ق. به خراسان بود و آخرین سفر ناصرالدین شاه در داخل کشور، در سال ۱۳۰۹ ق. به عراق عجم بود.

ناصرالدین شاه در طول حکومت خود هفت بار به قم سفر کرد که اولی در سال ۱۲۶۶ و دومی در سال ۱۲۶۷ و سومی در سال ۱۲۷۵ و چهارمی در سال (۳-۲۲ / شوال ۱۲۸۴) که خاطرات سفر چهارم به خط خود ناصرالدین شاه است، پنجمین سفر در سال ۱۲۸۷ و ششمین سفر (۹ رجب ۴ شعبان ۱۳۰۵) و هفتمین سفر در سال (۱۳۰۹ ق.) بود. مجموعه سفرنامه های وی به قم مجموعه باارزشی را شکل می دهد که از دیدگاه تحولات تاریخ محلی، آثار و ابنیه های تاریخی، نام و موقعیت جغرافیایی اماکن و رجال شناسی قم از اهمیت بسیاری برخوردار است.



منابع و مأخذ

۱. پولاک، ادوارد، ۱۳۶۸، **سفرنامه پولاک**، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ ۱، تهران: خوارزمی .
۲. جعفریان، رسول، ۱۳۸۹، **سفرنامه های حج قاجاری** (پنججاه سفرنامه)، چ ۱، تهران: رامین.
۳. حداد عادل، غلام علی، تابستان ۱۳۷۹، **ناصرالدین شاه واژه گزین**، مجله نامه فرهنگستان، ش ۱۳۱۵. (ص ۱۵۹-۱۷۱)
۴. خاتمی، احمد، ۱۳۸۷، **بررسی سفرنامه دوم مظفرالدین شاه به اروپا از نظر ادبی**، چ ۱، تهران: نشر شهر.
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **لغت نامه دهخدا**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. سالک، داوود، ۱۳۹۳، **زندگی پرماجرایی ناصرالدین شاه سلطان صاحبقران**، چ ۶، تهران: معیار علم.
۷. طاهری، علی اصغر و شیشه چی، زهره، ۱۳۹۱، **ناصرالدین شاه و حرمسراهايش** چ ۲، مشهد: داریوش.
۸. عمید، حسن، ۱۳۹۱، **فرهنگ فارسی عمید**، چ ۲، تهران: امیر کبیر.
۹. قاضیها، فاطمه، فروردین ۱۳۹۵، **ناصرالدین شاه قاجار و نقاشی**، مجله گنجینه اسناد، ش ۸۹. (ص ۴۵۲-۴۶۸)



۱۰. کراچی، روح انگیز، ۱۳۸۱، دیدارهای دور-پژوهشی در ادبیات سفرنامه‌ای همراه با کتاب شناسی سفرنامه فارسی، چ ۱، تهران: نشر چاپار.
۱۱. گوهری راد، احسان، ۱۳۹۱، استرآباد در سفرنامه‌های عصر قاجار، چ ۱، گرگان: نشرپیک ریحان.
۱۲. الله یاری، فریدون، احمدوند، زینب، پاییز ۱۳۹۳، سنت سفرنامه نویسی ایرانی، مجله رهیافت تاریخی، س ۳، ش ۸. (ص ۱-۱۹)
۱۳. مؤذنی، علی محمد، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، جهانگردی و سفرنامه نویسی در اسلام و ایران، مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۳۴، ش ۲ و ۱. (ص ۸۵-۱۰۰)
۱۴. ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۵، سفرنامه عراق عجم، به کوشش فرشاد ابریشمی، چ ۲، تهران: طلایه آفاق. شماره اختصاصی ۵۷۱۷۵۲.
۱۵. ناصرالدین شاه، ۱۳۰۶ ق. نسخه خطی روزنامه سفر مشهد، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره اختصاصی ۵۴۴، شماره ثبت کتاب ۴۳۷۰۸.
۱۶. ناصرالدین شاه، ۱۳۰۶ ق. نسخه خطی سفرنامه سوم ناصرالدین شاه به فرنگ، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره اختصاصی ۵۲۱۶۶.
۱۷. ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ در اندرون، چ ۲، تهران: بهارستان.



۱۸. ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳، سفرنامه عتبات عالیات ناصرالدین شاه قاجار، به کوشش ایرج افشار، چ ۱، تهران: چاپخانه رشدیه.

۱۹. ناصرالدین شاه، ۱۳۶۷، روزنامه سفر گیلان، چ ۱، گیلان: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.

۲۰. ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱، سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹هـ.ق)، به کوشش فاطمه قاضیها، سازمان اسناد ملی ایران «پژوهشکده اسناد».

۲۱. ناصرالدین شاه، ۱۳۸۴، سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران، تصحیح هارون وُهومن، چ ۲، تهران: نشر پانیذ.

۲۲. ناصرالدین شاه، ۱۳۸۸، سفرنامه خراسان، به خط میرزا محمد رضا کلهر و نقاشی از میرزا ابوتراب غفاری، چ ۱، تهران: میردشتی.

۲۳. ناصرالدین شاه، بهار و تابستان ۱۳۷۹، خاطرات ناصرالدین شاه قاجار در سفر به قم (شوال ۱۲۸۴ ق هـ)، به گزارش فاطمه قاضیها، مجله گنجینه اسناد، ش ۳۷. (ص ۲۳-۳۳)

۲۴. نوری، مصطفی، بهار ۱۳۸۹، نخستین سفر نامه ناصرالدین شاه به مازندران، پیام بهارستان، س ۲، د ۲، ش ۷. (ص ۱۳۸-۱۴۰)

۲۵. نوری، مصطفی، پاییز ۱۳۸۸، سفرنامه ناصرالدین شاه به نمارستاق مازندران، مجله پیام بهارستان، س ۲، د ۲، ش ۵. (ص ۱۹۳-۲۰۸)

کانت اینتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸

دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

مهر پادشاهی جمهوری اسلامی ایران
 تحت پوشش شورای عالی صداوسیما

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵